

زبان فارسی در ترکستان

بقلم آقای محمود عرفان

- ۳ -

وقتیکه جمهوریت تاجیکستان اعلان شد تاجیکها معارف و زبان فارسی ب فکر ترقی معارف و اوضاع اقتصادی خود افتادند در میان تاجیکها و برای اینکه زبان خود را که زبان فارسی است و رفته رفته بواسطه غلبه زبان ترکی و روسی میخواست بکلی از میان رود از زیر غلبه زبان ترکی و روسی بیرون آورند دو روزنامه یکی بنام «آواز تاجیک» و دیگری «بیداری تاجیک» انتشار دادند. شاید دولت روسیه هم در انتشار چنین نشریه هائی نظر بتبلیغ مقاصد خود در میان فارسی زبانان ترکستان مساعدت کرده باشد ولی بهر حال این دو روزنامه برای پیشرفت زبان فارسی در ترکستان شایان اهمیت است.

مدارسی که اکنون در تاجیکستان است ابتدائی است و عده آنها بسیار معدود میباشد و شگفت آنست که در مدارس مزبور تاجیک هائی که زبان فارسی سخن میگویند باید کتابهای درسی خود را بزبان اوزبکی یا روسی بیاموزند و معلمین تاجیک کتاب و درس را برای اطفال از اوزبکی و روسی بفارسی ترجمه کنند.

روزنامه آواز تاجیک در شماره ۴۱ مورخه ذی الحجه ۱۳۴۳ مینویسد «در قریه ها حوضه ها (۱) تشکیل کرده شد. حوضه ها چون با کمپلن (۲) دهقانان علاقه خوب دارند روز تاروز ترقی می یابند. [۱] حوضه ها بجای حوزه ها اشتباهاً در روزنامه مذکور نوشته شده و از اینگونه اشتباهات در آروزنامه بسیاریه میشود که از نداشتن معلومات لازمه فارسی تاجیکهای ترکستان حکایت میکند. مثلاً در زبان فارسی وقتیکه یاء مصدری به هاء غیر اصلی ❀

بنا بر نابودن ادبیات و رساله های تازه بزبان محلی بکارها خیلی سخته میرسد. (۳) در شماره ۱۹ موره شعبان ۱۳۴۳ در شکایتی که شخصی روزنامه مزبور مینویسد میگوید «... در اینجا (ولایت فرغانه) سه دانه مکتب گشاده شده است در این مکتبها طرزتعلیم بزبان اوزبکی است. از این وجه است که کودکان آن کینت (۴) از این مکتب فایده نمیرند. من در یکی از این مکتبها بودم يك بچه در کتاب (آت، آنا، آنام) گفته میخواند. از او معنی آت را پرسیدم او گفت که نمیدانم بعد من در نخته شکل اسب را کشیدم او در حال جواب داد که این شکل، شکل اسب است. به این حال باید خوب دقت کرد و باحوال تاجیکان فرغانه هم باید سوخت. این کار وظیفه اهل علم تاجیکان و برادران ترقی خواه است ایشان دست خودشان را به محنت کشان و دهقانان تاجیک که از انقلاب اجتماعی عقب مانده اند دراز کنند در اول کار به این تاجیکان الفبای

ملحق میشود یاه مصدری بکاف فارسی بدل میشود مثل آلوده آلودگی. روزنامه آواز تاجیک الفی که در آخر لفظ «بی پروا» هست نظیر هاء غیر اصلی دانسته و آزا بکاف تبدیل نموده بعلاوه الف را بجای خود باقی گذارده و در شماره ۳۶ عنوان یکی از مقالات را «بی پروائی ضرر خلق میباشد» قرار داده است. این روزنامه همیشه بجای شاگردان یا محصلین «طلبه گان - طلبکان - طلبه ها - ذکر میکند»

[۲] این لفظ در روزنامه مزبور بسیار دیده میشود حتی اسم همین روزنامه در شماره های اول «آواز تاجیک کجبل» بود نکارنده بکتاب لغت برهان قاطع و فرهنگ انجمن آرای ناصری که رجوع نمودم این لغت را ضبط نکرده بودند. از سیاق عبارت معلوم میشود که معنی «کجبل» رنجبر و فقیر است و لغت فارسی هم میباشد ولی چون یقین باین معنی نداشتیم این اصطلاح را با بعضی اصطلاحات لنوی دیگر که در آواز تاجیک دیده شد از آقای محمد تقی بیک فوشبگی بخارا که تا قبل از انقلاب روسیه مقام صدارت عظمی را در بخارا داشته و از آن پس بایران آمده اند سؤال کردم ایشان نوشته اند «کجبل بزبان تاجیکی بخارانی آدم فقیر و بی چیز را گویند»

[۳] این عبارت و همچنین عبارت بعد عین شرحی است که در روزنامه آواز تاجیک درج گردیده و مقصود عمده از نقل آن در اینجا نشان دادن تفاوت میان فارسی تاجیکهای ترکستان با اهالی ایرانست.

[۴] کینت اصطلاح روسی و بمعنی ناحیه و حوزه بلدییه است

فارسی رسانیدن لازم است (۵)

از قرار راپورت ژنرال قونسول ایران در تاشکند مورخه ۲۴ عقرب ۱۳۰۳ * بعد از انقلاب روسیه زبان رسمی ترکستان زبان ترکی شد و کلیه کتب و مراسلات و تدریسات بتزکی تبدیل یافت * (۶) ولی چنانچه ذکر شد تاجیکها از زمان تشکیل جمهوریت تاجیکستان در صد بر آمدند که اولاً معارف تاجیکها را ترقی داده همسر معارف اوزبکها نمایند و ثانیاً تعلیم را در مدارس تاجیکی از زبان اوزبکی تغییر داده بزبان تاجیکی در آورند. بالاخره مساعی آنها نتیجه بخشید و در دارالمعلمین سمرقند که در حوزه جمهوریت اوزبکستانست یکباب دارالمعلمین مخصوص معلمین تاجیکی تاسیس و افتتاح یافت. دوره تحصیل دارالمعلمین تاجیکان سمرقند چهار ماه است که از قرار مندرجات آواز تاجیک نود و پنج نفر در آنجا بتحصیل مشغولند. از این عده ۶۵ نفر از تاجیکهای اوزبکستان و سی نفر از تاجیکهای تاجیکستان اند. بعلاوه در تاشکند نیز یکباب دارالمعلمین تاجیکی گشوده شده که صد نفر از تاجیکان اوزبکستان و بیست نفر از تاجیکان تاجیکستان در آن دارالمعلمین مشغول تحصیل اند، دوره اش شش سال و قرار است که در دارالمعلمین اشتراکیتون تاشکند نیز دو کلاس مخصوص تاجیکان بشود.

در دارالمعلمین کارگران (رابناک) کلاسی تاسیس یافته که ۲۵ نفر تاجیک چهار درس از دروس کلاسی را بزبان تاجیکی میآموزند * در ولایت فرغانه که تا پارسال یک مکتب بزبان تاجیکی نبود حاضر ۲۶ مکتب موجود میباشد.

* در بخارا تا حال چهار مکتب فارسی (در میان ایرانیان)

(۵) سطور فوق عیناً، حتی با رعایت اغلاط چاپی در اصل، نقل و طبع شده.
(آینده)

[۶] هر جا اشاره بر راپورتهای مأمورین ایران در خارجه میشود، نگارنده عین آنها را در وزارت خارجه دیده و سوادى از آنها برداشته ام

موجود بود (۷). اکنون تاجیکان آنجا هم بگشادن مکتبهای تاجیکی تشبث دارند زیرا اهل شهر بخارا تماماً تاجیک هستند.

«شهر خجند هم که اهالیش بکلخت تاجیک است و تا پیرارسال بزبان تاجیکی هیچ مکتبی نداشت حالا ۱۶ مکتب تاجیکی دارد که در آنها ۱۲۰۰ نفر شاگرد مشغول تحصیل هستند.»

شهر سمرقند هم که اهالیش تماماً (مگر دو گذر) تاجیک بوده و تا کنون مجبور بودند که بزبان اوزبکی تحصیل نمایند (مگر ایرانیان و یهودیان که هنوز مکتبهایشان بزبان فارسی جاری است)، حالا در پیش شورای علمی تشبث دارند که همه مکتبهایشان را که تقریباً سی باب میباشد بزبان تاجیکی جاری سازند. (۸)

قرار شده است که در همین سال يك کلاس زراعتی نیز در شهر خجند بزبان تاجیکی تأسیس گردد و چون برای مدارس سابق الذکر کتابی

[۷] مقصود ایرانیان مرویست که سال ۱۲۰۰ هجری از سرو اسپر شده و در شهرهای ترکستان متفرق گردیدند و سابقاً ذکر آنها شد.

[۸] نقل از روزنامه آواز تاجیک شماره ۴۲ مورخه ۷ ذی الحجه ۱۳۴۳ در صفحه ۱۶۹ هم قسمتی از روزنامه مزبور را نقل کردیم از مطابقت قسمتی که در آنجا نقل کردیم با قسمتی که در این صفحه نقل نمودیم معلوم میشود چقدر تفاوت در انشاء و طرز نگارش فارسی روزنامه مزبور پیدا شده و در مدت اندک چقدر بر سلاست و فصاحت آن افزوده گردیده است. همین تفاوت در اشعاریکه روزنامه مذکور درج میکند ظاهر است مثلاً اشعاریکه در شماره ۱۹ مورخه شعبان ۱۳۴۳ درج گردیده مطابقت اینست.

ای علم و هنرتی تو چسان راه نجانست ؟ ای فن ! تو نباشی بکجا نظم حیاتست

ای دیده عبرت ! نظری ساز بعالم بین، با که نصیب از حرکات و سکناتست
رفته رفته شعرها ترفی نموده تا در شماره ۴۲ مورخه ذی الحجه ۱۳۴۳ قصیده ای درج شده که با این دو شعر شروع میشود

سینه دم که کل از ابر با هم ریزد

کهر به جبهه نسرین و با سمن ریزد

گشاده تکمه پیراهن کل سوری

عبیر و مشک ته دامن چمن ریزد

زبان فارسی نبوده است دانشمندان تاجیکها بدون فوت وقت دست بکار تألیف و ترجمه زده و از قرار خبریکه روزنامهٔ آواز تاجیک در شمارهٔ مورخهٔ ۶ سرطان ۱۳۰۴ می‌دهد تا آن تاریخ « ۲۰ گونه کتابهای مهم مکتبی زبان تاجیکی تألیف و ترجمه شده که همهٔ آنها همین سال چاپ گردیده » در مدارس تاجیکها تدریس خواهد گردید.

غیر از اوزبکستان مدارس ایرانی دیگر نیز در مرو، گراسنودسک و قزل آروات نیز وجود دارد (۹)

در عشق‌آباد که اکنون مرکز جمهوریت ترکمنستانست یک‌کتاب مدرسه موسوم بمدرسهٔ مظفری مخصوص ایرانیانست که سید صد نفر محصل در آن مشغول تحصیل اند. خلاصهٔ راپورتنی که قونسولگری ایران در عشق‌آباد بتاريخ ۲۳ عترب ۱۳۰۲ بوزارتخارجه راجع بمدرسهٔ مزبور می‌دهد اینست: -

« مدرسه عشق‌آباد در سال ۱۳۲۵ هجری بهمت جمعی از ایرانیان تأسیس گردید. در سال ۱۳۰۲ هیئت وزراء ایران تصویب نمود ماهی دوست تومان بآن مدرسه از طرف دولت ایران کمک خرج داده شود. این تصویب نامه فقط سه ماه و نیم پرداخته شد تا اینکسه مقرر گردید از اول میزان ۱۳۰۲ ماهی صد تومان بمدرسهٔ مزبور پرداخته شود و اینمبلغ بمدرسه میرسد.

مدرسه مظفری بدستیارنیک مدیر، شش نفر معلم و دو نفر قرّاش اداره میشود. اینمدرسه دارای چهار کلاس و پروگرام آن از اینقرار است: زبان فارسی و روسی - شرعیات - حساب - جغرافیا - تاریخ - طبیعیات - حفظ الصّحه - ورزش - نقاشی - آواز.

کتابخانه مدرسه که سال ۱۳۳۵ هجری تأسیس گردیده دارای

(۹) راپورت جنرال قونسولگری ایران در تاشگند

هشتصد جلد کتب علمی، ادبی و اخلاقی است ولی بیش از سه ربع آنها بزبان روسی و ترکی میباشد. یکباب موزه که محتوی برمسکوکات قدیم و بعضی مجسمه های تاریخی است در آئندرسه موجود میباشد. سالون مدرسه که برای تأثر و کنفرانس بنا گردیده دیوار هایش با تصاویر مشاهیر تاریخی ایران مانند شیخ سعدی نادر شاه، امیر کبیر و سید جلال الدین اسدآبادی مزین است



از مطالبیکه شرح داده شد معلوم گردید که هنوز

در مدارس و مکاتبی که تاجیکان مشغول تحصیل هستند نه دروس آنها بزبان فارسی است و نه

کتاب های چاپی بزبان فارسی وجود دارد ولی

تاجیکها سخت کوشش میکنند که زبان فارسی را در مدارس خودشان وارد کنند بلکه برای قبولانیدن و پیشرفت مقصود در کار نهضت اند.

حاجت بسذکر و بیان نیست که چقدر سزاوار است از طرف

ایران و کسانیکه بنشر زبان فارسی علاقه دارند دست مساعدت بسوی آن نهضت دراز شود تا بلکه آب رفته بجوی آید و این سرچشمه زبان فارسی خشک نباشد. بعقیده نگارنده لازم است از طرف دولت ایران توجه مخصوص در اینراه مبذول شود و محالّه نازمانیکه برای اینکار در بودجه مملکتی اعتباری معین نشده و بتصویب مجلس شورای ملی نرسیده است اقدامات ذیل بعمل آید:

(۱) از قرار معلوم چون کتاب فارسی در ترکستان مخصوصاً در میان تاجیکها بسیار کمیاب بلکه کتابی که در صرف و نحو فارسی گفتگو کند نایابست باید از محل تبلیغات در مالک خارجه یا از محل اعتبار مطبوعات و وزارت معارف مقدار معتنابهی کتاب صرف و نحو و قرائت (۱۰) و تاریخ [۱۰] بهترین کتابهای چاپی که اکنون در ایران موجود است در صرف و نحو «دستور زبان فارسی» و در قرائت «فرائدالادب» است که هر دو از تالیفات استاد محترم آقای میرزا عبدالعظیم خان نرگانی میباشد. کاغذ و طبع و تجلید کتابهایی *

ایران بترکستان فرستاده شده درمدارسی که ایرانیان و تاجیکان مشغول تحصیل اند قسمت شود

۲) در ولایت « دوشنبه » که مرکز تاجیکستانست مجله ای مخصوص ترویج زبان فارسی انتشار یابد

۳) چون در ماه شهریور جشن دوستمین سال آکادمی معارف روسیه درلنین گراد تشکیل خواهد یافت و آکادمی مزبور حضور نماینده انجمن ادبی ایرانرا نیز تقاضا نموده اند ، نماینده مذکور مأموریت داشته باشد که در خصوص ترویج زبان فارسی در ترکستان مطالعات کافی بعمل آورد

۴) مأمورین ایران که در مراکز مختلفه ترکستان و تاجیکستان و اوزبکستان اقامت دارند اکیداً سفارش شود که در نهضت ترویج زبان فارسی مجاهدت نمایند

۵) روابط ایران با « جمعیت شناسندگان تاجیکستان و اقوام آریان خارج از حدود تاجیکستان » که مرکز آن در ولایت دوشنبه است برقرار گردد (۱۱)

محمود عرفان

که فرستاده میشود نباید مثل کتلهائی باشد که در مدارس طهران معمول است و شاگرد را از دیدن کتاب و نگاهمداری آن منزجر مینماید بلکه باید خوبی کاغذ و زیبایی طبع و مجلد را در نظر گرفت که اینکار خود بسی دخالت در پیشرفت مقصود دارد و از آن غفلت نشاید .

[۱۱] ماده اول نظامنامه جمعیت مزبور اینست « وظیفه این جمعیت از شناختن و آموختن تاجیکستان و مملکت های دیگری که با اقوام آریه مسکونت ازجهه اتنوگرافی، لغوی، تاریخی ، اقتصادی ، طبیعی و جغرافی عبارت میباشد » .